

موضع ما و برگزاری انتخابات " کوپونی!" در افغانستان صلح دالری و دالر های تقدیس شده!؟

یک رأس فیل که با یک موتر لاری تصادف کرده و در بخش CCU بستری بود و يك مورچه بیرون از محلی که فیل در آن بستر بود قدم می زد. دکتر از مورچه پرسید؛ فرمایشی دارید؟ مورچه گفت؛ این فیل خیلی به گردن من حق دارد! آدمم که اگر به خون احتیاج داشت، برایش خون بدهم!

قسمت پنجم



محمد امین فروتن

دو سه روز پیش بود که از یک منبع موثق شنیدم ائتلاف میان جنرال دوستم و فخر افغان خان اشرف غنی خان احمدزی پس از آنکه آقای جنرال دوستم به حضور اعلیحضرت جان کبری وزیر خارجه امریکا شرف یاب گردید و از آنحضرت شنیدند که جلالتمآب والا حضرت حامد کرزی نه از فخر افغان اشرف غنی خان احمدزی بلکه در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان از نامزد دیگری حمایت میکند! ، حضرت دوستم در نشه و خواب پهلوانی فرمود که رئیس صاحب جمهور به ما از یک ها خیانت کرده است و ما هم جواب این بی پروائی و خیانت را با حمایت از دکتر صاحب عبدالله یا هر کاندید دیگری خواهیم داد!!! هر چند این خبر جدید بود اما به دلیل سخنان همین یک هفته قبل آقای اشرف غنی خان احمد زی که در پاسخ این پرسش نصیر احمد فیاض مجری مؤقت برنامه ۹۰ دقیقه شبکه جهانی آریانا که آیا شما با مشارکتی که با آقای جنرال دوستم بعمل آورده اید و به گفته مجری ، وی یک مجاهد و شما یک تکنوکرات هستید تا چه حد موفق خواهید شد که یک تغییر بنیادی و مطلوبی را ایجاد کنید؟ آقای غنی احمد زی گفته بود : من از همه اول

شجاعت سیاسی جنرال صاحب دوستم را که در اعلامیه آخیری که نشر کرده ابراز امتنان میکنم این یک جرئت می خواست و امیدوارم تا از دیگر بازیگران سیاسی نیز چنین جرئتی ببینیم دوم اینکه این سوال را از جنرال صاحب دوستم کردند؛ که چرا با اشرف غنی احمدزی در یک تکت در آمدی؟ می فهمید که جواب وی چه بود؟ برنامه!!! اشرف غنی برنامه را ارائه کرد بعد از بررسی تمام بدیل های دیگری به نتیجه رسیدیم!!! سخت شگفت انگیز و بهت آور است. زیرا هنوز زخم های عامه مردم بویژه روشنفکران و درس خوانده های جامعه شکوهمند افغان به گرمی ای **برنامه!** تشخیص شده از سوی مرشد روحانی حضرت پهلوان دوستم گرم نیامده بودند که نا گهان و

پس از انجام ملاقات محترم جنرال دوستم با جان کری Kerry بانگ شکست این ائتلاف که آقای احمدزی آنرا به دلیل داشتن برنامه روشنی نسبت به تمامی کاندیدا های مقام ریاست جمهوری افغانستان نسخه مجربی می دانست نواخته شد. مهمترین و در عین حال اصلی ترین پرسشی که به وجود می آید اینست که نزدیک به اکثریتی از کاندیدا های ریاست جمهوری افغانستان منجمله محترم اشرف غنی احمدزی و دیگر پهلوانان معرکه انتخابات پس از استعفی از مقامات بلند پایه اداره حاکم وارد گود انتخابات ریاست جمهوری افغانستان شده اند چرا و به چه دلیل و در مواجهه با کدامین موانع نتوانستند به اهدافی که در اجندای به قدرت رسیدن به مقام ریاست جمهوری افغانستان کاندیدا های محترم گنجائیده شده است نائل آیند؟ آیا این همان اجندا های نیست که در مقاطع گوناگون تاریخ موجب بدترین آزار ها و آذیت های توده های مظلوم و محروم افغان شده اند؟ آیا واقعاً مقصود از رسیدن به مقام "ریاست جمهوری افغانستان **ذکر خیر!!**" و تکرار همان مناسبات بدوی و قبیولی نیست؟ زیرا موقعیت های بسیج شده در جامعه ما چنان سریع، گسترده و در عین حال مؤقت هستند که همچون مهره های از تسبیح و بصورت ریاست کارانه غارتگری های از غارتگران و چپاولگران را توجیه شرعی می کنند نیست!!؟ البته باید گفت که اگر موافقتنامه نخستین کنفرانس بن را اجماع نسبتاً مشروع و مشروط اما به نفع سرمایه داران کمپرادور بدانیم که برخی مفاهیم تاریخی و فراموش شده در جامعه افغانستان چون دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر را بصورت مصنوعی و با نگاه مادی به تاریخ و با تناسب منافع شخصی آنها مصداق بیشتری پیدا کرده است هیچگاه بردل فقر و توده های رنج دیده افغانستان نه نشست. زیرا یکی از مشکلات بارز این مسیر که بیش از یک دهه گلون انسان مؤمن سرزمین افغانستان را بی رحمانه می فشارد، علی الرغم شعار های جذاب و دلنشین اصحاب قدرت یعنی کاندیدا های محترم ریاست جمهوری افغانستان بدون احساس اندکترین مسئولیت در قبال سرنوشت تاریخی مردم این سرزمین همانا بی توجهی به مسأله عدالت و توسعه همه جانبه و متوازن و شکل نیافته گی نهاد های مدنی و وجود خلأ بین شعار و زمینه های تحقق عملی آنهاست. لهذا متأسفانه هر یکی از این کاندیداها ی محترم ریاست جمهوری بجای توجه به اصلاحات گسترده و بنیادی در جامعه افغانی به کلی گوئی ها و به مصداق آن حکایت معروفی که از متن فرهنگ فلکلوریک ما برخاسته است یعنی «برادرم در کندز پهلوان است» رو می آورند. البته باید توجه داشت که تکرار چنین کلی گوئی ها و شعار های عوام فریبانه پوپولیستی هیچگاه برای انجام اصلاحات بنیادی که به ریشه کن ساختن زمینه های فقر و فساد اجتماعی و اقتصادی بانجامند در مسیر دموکراتیزاسیون ملتهای جهان سومی منجمله افغانستان کافی نیست بویژه آنگاهی که در مقابل بسیاری از نهاد های هر چند شبه مدنی نظیر پارلمان و قوای قضایه قرار میگیرند.

صلح دالری و دالر های تقدیس شده!؟

هیچکسی به شمول ارآکین بلند رتبه ترین ارکان مافیای شبه دولتی حاکم بر افغانستان که پس از استعفای ظاهری از مقامات بزرگ دولتی در قطار نامزدان و کاندیدان برای احراز پست مقام ریاست جمهوری افغانستان استاده اند نه میتوانند استقرار صلح سراسری در افغانستان را از بخش نخستین و حیاتی ترین قسمت های اجنداً و برنامه خویش حذف کنند تا آنجا که برخی از بازوهای مسلح مافیای اقتدار در افغانستان برای رسیدن به چنین صلح فرمایشی ودالری * گاهگاهی خشونت های مقطعی و مصلحت آمیزی ! را در حوزه حیات سیاسی جامعه افغانی سازماندهی می نمایند که متأسفانه به دلیل فقدان تقوای سیاسی و اقتصادی در وجود فرد ، فردی از زمامداران نا اهل جامعه عقب مانده افغانستان ویروس ثروت اندوزی و غارتگری که از بالا به پائین در حال حرکت است به نوع اعتیاد کشنده تبدیل شده است . و هر آنکه فیل شان هوای هندوستان کند وبادی از این دالر های تقدیس شده !! که به برکت سربازان گمنام امام زمان های استخباراتی جهان در قصر های مجللی از « ارگ شریف !!» به وفوردر یافت میگردند به مشام های شان رسیده باشد نه میتوانند بصورت مصنوعی هم که بوده و شده مسأله مبارزه با « فساد و تحقق صلح در جامعه !» را از صدر شعارها و وظائف آنده شان خارج کنند. بدبختانه هنوز هم با سپری شدن دست کم دوازده سالی که از نظام مقدس جمهوری اسلامی در افغانستان!! میگذرد روح هیولای لبرالیستی واین سیاست گام به گام صلح دالری !! هر چند بصورت پنهان و پپچانده شده در جامه قرئت مافیایی از «مذهب و بازار آزاد !!» همچنان حضور دارد و قربانی میگیرند . !! البته نباید فراموش کرد که تمامی معادلات مربوط به شعار صلح که بحیث یک شعار استراتژییک در حوزه تبلیغات عوام فریبانه تمامی کاندیداهای مقام ریاست جمهوری افغانستان شناخته شده است از بطن همین سیاست گام به گام و همین روح تقدیس شده مافیایی برخاسته و از قوانین آن تبعیت میکند . از سوی دیگر این سیستم حاکم بر سرنوشت جامعه افغانی بخاطر و دلیلی مافیایی نامیده میشود که در وهله اول نهاد های بزرگ قضائی و قانونی در کشور که لابد باید بصورت دموکراتیک و از بطن جامعه مدنی مشروعیت حاصل نموده باشند و نهاد های متذکره نماد و سمولی از نهادینه سازی ضوابط میان احادی از یک جامعه پنداشته میشوند به اساس همان فورمول معروف « نصف لی و نصف لک !!» ذبح شرعی می گردند . طبق همین سیاست مافیایی باید گفت تا سلطنت کامل امپریالیستی اقتصاد مشارکتی لبرال قطع نگردد ؛ انجام و اجرای اصلاحات گسترده در جامعه عقب مانده ای مانند افغانستان یک شعار ماجراجویانه ای است که در راستای تخریب و فریب اذهان عامه و راه گم کردن فعالین و مبارزین واقعی راه استقلال ، آزادی و دموکراسی به حساب می آیند . چنانچه قبلاً به عرض رساندیم موقیعتهای بسیج در جامعه ما ، موقیعت های موقت هستند و مشکل اساسی این چنین جوامع این است که حرکت های موسمی و زود گذری را بر بستر تاریخ جوامع بشری تولد میدهند و در این صورت کاملاً طبیعی است که موتوربینیش اجتماعی و سیاسی این گونه حرکت های تازه به دنیا آمده در میان یک نسل و یک جغرافیای تاریخی ناپدید شوند و هرگز نسل های دیگری از آن مستفید نگردند .

ادامه دارد

* : برخی از حرکت های خشونت آمیز در جامعه افغانی لزوماً برای تحقق و رسیدن به چنین عملیه صلح مصنوعی انجام می گیرند .